

تاثیر وراثت و محیط بر روان آدمی از دیدگاه سعدی

بنیاد و تربیت

دکتر عطا محمد رادمش
دکتر ابوالقاسم نوری
فرناز گلشنی

عنوان چهره‌ای برجسته و جهانی مطرح کرده، تا آنجا که بر سر دیونسکو شعر زیبای زیر چون نگینی می‌درخشد: بنی آدم اعضای یک پیکرند که در آفرینش ز یک گوهرند چو عضوی به درد آورد روزگار دگر عضوها را نباشد قرار نو کز محنت دیگران بی غمی نشاید که نامت نهند آدمی، آثار سعدی از جمله شاهکارهایی است که به زبان‌های گوناگون ترجمه شده است. با آن که لفظ و عبارت در ترجمه تغییر می‌کند، اما از لطف کتاب‌هایش کاسته نشده، همچنان استوار و با عظمت مانده است. همین امر دلیل بر اثبات ذهن ژرف اندیش سعدی است. فکر بلندش حتی قرن‌ها بعد از او، خارج از الفاظ و عبارتش مورد ستایش قرار می‌گیرد و او را ماندگار می‌کند.

سعدی عمیق‌ترین مسایل روانشناسی را در شیرین‌ترین الفاظ و عبارات و در قالب حکایاتی خواندنی و دوست‌داشتنی بیان می‌کند. او با قلم توانای خود به خلق حکایت‌هایی دست می‌زند و با کلامی شیوا و دلکش آینه‌ای فراروی خواننده خود قرار می‌دهد که هر کس بنا به جایگاهی که دارد سیمای خود را در آن می‌بیند و نصایح او را در زندگی به کار می‌بندد، سعدی به راستی اعجوبه‌ای بی‌مانند است؛ آثارش را که نمایانگر طرز تفکر و شیوه زندگی او و حاصل عمری تجربه‌اندوژی است می‌توان از ابعاد گوناگون مورد بحث قرار داد.

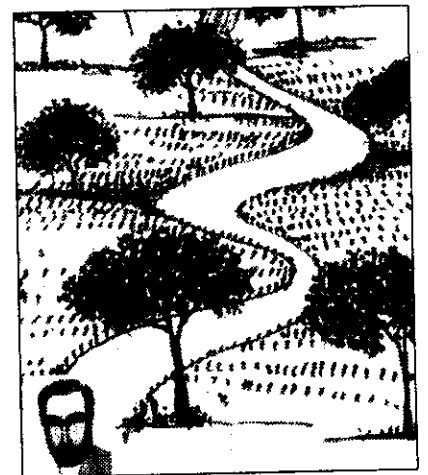
سعدی اندیشمندی است که با قدرت فصاحت و بلاغت اعجاب‌آور خود دل‌ها را مسحور خود کرده است. او زیباترین نظم و نثر را در پرتو اندیشه بلندش می‌آفریند. فرمانروایی سعدی در قلمرو ادبیات تنها منحصر به قلم توانای او نیست. احاطه او بر روان آدمی و فکر ژرف اندیش او کلام او را موثر ساخته است. او موشکافانه به تحلیل انسان از جنبه‌های گوناگون می‌پردازد. سعدی انسان را موجودی می‌داند که دارای قابلیت‌های فراوانی است و این توانایی‌ها را گاهی اکتسابی و گاهی غیر ارادی می‌شمرد. یعنی آن چیزی که امروزه در روانشناسی با عنوان محیط و وراثت مطرح است. سعدی قابلیت‌های آدمی را حاصل کنش متقابل محیط و وراثت می‌داند. دیدگاه او که مورد تایید روانشناسان این عصر قرار گرفته است، نمایانگر عظمت فکر و عمق بینش اوست.

سعدی یکی از شگفتی‌های تاریخ ادبیات فارسی است. او نه تنها در میان جامعه ایرانی به عنوان فردی برجسته مطرح است، بلکه در بسیاری از کشورهای دیگر نیز شناخته شده است و دارای ارزش فراوانی است. او جهان‌پسندیده‌ای است که طی سال‌های طولانی زندگی‌اش کوله‌باری از تجربه به همراه دارد. زبان شیوا و فصیح او همراه با شناختی که از پیچ و خم پر رمز و راز روان آدمی دارد، او را به نویسنده‌ای جهانی بدل کرده است.

اشعار زیبای او، از چنان پشتوانه عمیق فکری برخوردار است، که او را، حتی در دنیای کنونی به

(شیخ اجل مصلح‌الدین سعدی شیرازی، از جمله نامداران زبان آور و ژرف‌اندیشه ایرانی است که فراز زمان‌ها و مکان‌ها سیر می‌کند. در هر دوره‌ای، مفاهیم مستتر در لایه‌های آثار منظوم و متشورش مورد کاوش قرار می‌گیرد اما در دوره دیگر باز هم فعالیت اهل ذوق و دانش، گسترده‌تر و با چشم‌انداز مقتضی زمان و مکان ادامه می‌یابد.)

در نوشتار ذیل تا حدی تفکر پرورشی و تربیتی سعدی بر اساس نظریه‌های ژنتیک (وراثت) و مکان (محیط) در روان‌شناسی بررسی می‌شود. تفکر سعدی در این عرصه موافقان و مخالفانی دارد. برخی سخنان وی از نظم و نثر مثل سایر است و ورد زبان مانند: پرتونیکان نگیرد آن که بنیادش بد است تربیت نااهل را چون گردکان بر گنبد است



یکی از مسائلی که به وضوح از لابه لای نوشته هایش قابل ادراک است اشرف او به روحیه پروان آدمی است.

سعدی در طول زندگی پرثمر و پرحادثه اش با انسان های زیادی معاشرت داشته، موقعیت های پرفراز و نشیبی را پشت سر گذاشته، گاهی در اوج عزت بوده است و گاهی در نهایت استیصال؛ او با فراست و زیرکی خاص خود و با داشتن چنین تجربه های ارزنده ای به دید روانشناسانه ای دست می یابد.

به درستی می توان گفت بسیاری از آنچه از ضمیر آدمی بر او هویدا شده، امروزه مورد تأیید روانشناسان بزرگ قرار گرفته است.

از آنجا که کارهای انجام شده در زمینه بررسی دیدگاه روانشناختی سعدی بر مساله محیط و وراثت قانع کننده نیست، لذا سعی شده است رابطه بین اندیشه های سعدی و یافته های نوین روان شناسی را در ارتباط با بحث محیط و وراثت مورد تحقیق قرار دهد و به این نتیجه برسد که کدام یک از آرای سعدی با روان شناسی نوین تطبیق دارد. اهمیت موضوع پژوهش از این جنبه مورد بررسی است که اندیشه های سعدی از آزمون زمان راطی کرده و بسیاری از اندیشه های او با آنچه امروزه مورد تأیید است، مطابقت پیدا کرده است.

نویسندگان بی شماری چه در داخل چه در خارج از کشور درباره سعدی مطلب نوشته اند اما تعداد معدودی از آنان به اندیشه های روانشناسانه او اشاره کرده اند. در کتاب ذکر جمیل سعدی در مقاله ای از محمد کریم آزادی با عنوان تربیت از دیدگاه سعدی اشاره ای گذرا به مطلب مهم محیط و وراثت شده است اما بررسی این مطلب و تطبیق دادن آن با روانشناسی نوین جای بحث و پژوهش بیشتری را می طلبد. در این مقاله سعی بر این است که ضمن مقایسه اندیشه های سعدی با نظریات روانشناسان شگفتی های کلام و افکار این شاعر کم نظیر را بر خوانندگان هویدا سازیم.

وراثت و محیط

در طول سال های متمادی روانشناسان به تحقیق در مورد تأثیرات عوامل ژنی و محیطی بر افراد گوناگون پرداخته اند. «این تحقیقات در اواخر قرن نوزدهم با تحقیقات «مندل» بر روی نخود فرنگی آغاز شد که نشان می داد بسیاری از ویژگی های موجودات زنده از طریق ارث به نسل های بعدی منتقل می شود.» (۱) به تدریج دانشمندان علم ژنتیک دریافته اند که بیشتر صفات انسانی از طریق ژن های گوناگون به او ارث رسیده است.

تعریف وراثت: «وراثت یعنی انتقال بعضی از خصوصیات والدین یا خویشان آنها به فرزندان و همین امر سبب شباهت فرزندان به والدین یا

□ سعدی با نگاه تیزبین و موشکافانه اش به خوبی دریافته است که چگونه عوامل ارثی روی روان آدمی اثر می گذارد و خصوصیات فرد را تعیین می کند.

وی معتقد است خصوصیات اخلاقی که از طریق وراثت به انسان رسیده، گاهی چنان استوار است که در مقابل تعلیم و تربیت و محیط هم مقاومت می کند.

خویشان آنهاست. بعضی وراثت را انتقال خصوصیات از نسلی به نسلی دیگر از طریق تولید مثل تعریف کرده اند. (۲) روانشناسان در طی سال ها رفتار و خصوصیات شخصیتی انسان را بر اساس وراثت و محیط مورد بررسی قرار داده اند تا معلوم گردد آیا رفتارهای آدمی از طریق ارث یا ژنتیک به او رسیده است یا گرفته از محیط است و چقدر محیط اطراف بر شخصیت فرد اثر می گذارد؛ «به طور کلی آنقدر که روانشناسان درباره ارثی بودن خصوصیات بدنی توافق دارند درباره امور روانی با یکدیگر هم عقیده نیستند. عده ای از روانشناسان زیست شناسان اهمیت زیادی به عامل ارثی می دهند و خصوصیات روانی را نتیجه و محصول عوامل ژنی می دانند و اثر محیط را در رشد این گونه امور ناچیز می شمرند.» (۳) «امروزه مسلم شده که قوانین ارث نه تنها در تشکیل نطفه نوزاد اثر دارد بلکه روی حالات روانی او نیز به طور قطع موثر است و فرزندان، اخلاق و روحیات و حالات عصبی خود را از والدینشان ارث می برند. البته محیط نیز اثراتی روی آن داشته است.» (۴)

«بعضی از دانشمندان پاره ای از خصوصیات روانی مثل هوش یا جنبه های عاطفی و طبع یا مزاج اشخاص را معلول عوامل ارثی و سایر خصوصیات روانی مثل عادات اجتماعی، رفتار اخلاقی و طرز برخورد با اشیاء و اشخاص را محصول محیط تلقی می کنند.» (۵)

سعدی با نگاه تیزبین و موشکافانه اش به خوبی دریافته است که چگونه عوامل ارثی بر روی روان

آدمی اثر می گذارد و خصوصیات فرد را تعیین می کند؛ او معتقد است خصوصیات اخلاقی که از طریق وراثت به انسان رسیده گاهی چنان استوار است که در مقابل تعلیم و تربیت و محیط هم مقاومت می کند و ناگزیر ظاهر می شود. سعدی آنان را که تربیت نخستینشان نامناسب بوده، یا در مقابل تعلیم و تربیت جدید مقاومت می کنند و به هیچ وجه حاضر به اصلاح نیستند به شدت تقبیح می کند؛ با نفوذ کلام خویش به بهترین وجه و زیباترین تشبیهات تأثیر استعداد ذاتی و گوهر انسانی را بیان می دارد شعر زیر که از جنجال انگیزترین نمونه های گفتار سعدی است این مطلب را به خوبی نمایان می کند. (۶)

پرتو نیکان نگیرد آن که بنیادش بد است
تربیت ناهل را چون گردگان بر گنبد است (۷)
سعدی این شعر را در ضمن داستانی بیان می کند تا تأثیر عمیق و ویژگی های ذاتی و ارثی آدمی به وضوح نشان داده شود؛ در این حکایت قصه دزدان عربی را شرح می دهد که بالای کوهی پناه گرفته بودند و کاروانیان را غارت می کردند و آرامش و آسایش خلق را بر هم زده بودند تا این که شاه تصمیم می گیرد به وسیله مردان جنگاور و دلیر خود به آنها شبیخون بزند؛ شاه دستور قتل همه را صادر می کند اما در میان این مردان نوجوانی بود که هنوز بالغ نشده بود، وزیر از دیدن نوجوان دلش به رحم می آید و از او نزد شاه شفاعت می کند؛ شاه به خاطر اصرار وزیر، علی رغم میل خود از سر خون جوان می گذرد اما با وجود آن که پسر را تحت تعلیم و تربیت قرار می دهد و همه آداب خدمت را به او می آموزد بعد از گذشت چند سال سرشت پسر او را به عصیان وامی دارد و در نهایت همان دزد عاصی می شود و جای پدرش می نشیند. سعدی ضمن شرح این حکایت شاه را نماد افرادی معرفی کرده است که به وراثت معتقدند و از زبان شاه اشعاری می گوید که نشان دهنده تأثیر عمیق رفتارهای ذاتی است.

ابر اگر آب زندگی یارد

هرگز از شاخ بید بر نخوری

با فرومایه روزگار مبر

کز نی بوریا شکر نخوری (۸)

یا:

عاقبت گرگ زاده گرگ شود

گرچه با آدمی بزرگ شود (۹)

سعدی تعلیم و تربیت و محیط را مثل باران می داند که در هر سر ششی خود را به یک طرف می سازد؛ اگر بدی در نهاد کسی باشد و ملکه او شده باشد محیط در او اثری نمی کند مثل بارانی که در شوره زار بیارد هیچ حاصلی در بر نخواهد داشت اما اگر کسی زمینه مساعد برای دریافت تعلیم و تربیت را داشته باشد محیط روی او اثر مطلوب خود را می گذارد.

شمشیر نیک از آهن بد چون کند کسی
ناکس به تربیت نشود ای حکیم کس
باران که در لطافت طبعش خلاف نیست
در باغ لاله روید و در شوره زار خس

□ □

زمین شوره سنبل بر نیارد
در او تخم و عمل ضایع مگردان
نکویی با بدان کردن چنان است
که بد کردن به جای نیکمردان (۱۰)

و یا در حکایتی دیگر به جنبه وراثتی هوش و استعداد اشاره می‌کند. پادشاهی پسر را به ادیبی داد و گفت این فرزند تو است، همچنان کن که یکی از فرزندان خویش، گفت فرمانبردارم سالی چند بر او سعی کرد و به جایی نرسید و پسران ادیب در فضل و بلاغت منتهی شدند؛ ملک دانشمند را مواخذت کرد و معاتب فرمود که وعده خلاف کردی و وفا به جا نیاوردی؛ گفت بر رای خداوند روی زمین پوشیده نماند که تربیت یکسان است ولیکن طبایع مختلف:

گرچه سیم و زر ز سنگ آید همی
در همه سنگی نباشد زرو سیم
بر همه عالم همی تابد سهیل
جایی انبان می‌کند جایی ادیم (۱۱)

البته سعدی تنها به جنبه وراثتی هوش توجه ندارد بلکه عامل محیط را هم موثر می‌داند و این شگفت آور است که نظریه روانشناسان جدید با گفته‌های او مطابقت پیدا کرده است، سال‌ها دانشمندان بر روی این نکته که آیا تفاوت‌های ذهنی آدمی از طریق ژن‌های خاصی به انسان رسیده یا حاصل محیط پرورشی او است، تحقیق کرده‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که هوش جنبه ارثی دارد اما محیط نیز در شکوفا کردن هوش موثر است؛ به عبارتی دیگر، هر چند عوامل تعیین‌کننده ارثی هوش، بسیار نیرومندند اما نتایج ارائه شده نشانگر آن است که محیط نیز در این میان نقش مهمی دارد؛ توجه کنید که وقتی فرزندان خانواده در محیط خانوادگی و احدی رشد می‌کنند شباهت بیشتری در هوش‌های آنان دیده می‌شود. مطالعات دیگری نشان داده‌اند که توانایی ذهنی فرزند خوانده‌ها بالاتر از برآوردهایی است که بر مبنای میزان توانایی والدین طبیعی آنان به دست می‌آید پس مسلم است که محیط نیز تا حدودی بر هوش اثر می‌گذارد. (۱۲)

سعدی بر این باور است که اگر کسی هوش و استعداد ذاتی داشته باشد ولی محیط و موقعیت مناسب برای پرورش استعداد او نباشد، این قابلیت تباه خواهد شد؛ در هر حال اوضاع محیطی صرفاً نمی‌تواند جایگزین هوش باشد و تنها با جایگاه محیط نمی‌توان هوش را بالا برد. هر چند جنبه اصلی هوش به صورت وراثتی به انسان می‌رسد بنابراین می‌فرماید:

که چو ترشد پلیدتر باشد (۱۳)
سعدی فرزندان ناهموار و بی تربیت را که محیط در آنها اثری ندارد و یا در مقابل محیط مناسب مقاومت می‌کنند از مار گزنده بدتر می‌داند:

زنان باردار ای مرد هشیار
اگر وقت ولادت مار زاینند
از آن بهتر به نزدیک خردمند
که فرزندان ناهموار زاینند (۱۵)

بعضی از خصلت‌های آدمی از راه توارث به او می‌رسد؛ مهربانی خوی خوش و برعکس عیوسی یا تندخویی می‌تواند جنبه وراثتی داشته باشد.

از ابلیس هرگز نباید سجود
نه از بد گهر نیکویی در وجود (۱۶)

بنابراین از چنین کسانی که بدی در نهاد آنان سرشته شده چشم‌نیک نمی‌توان داشت؛ سعدی گاهی تا آنجا پیش می‌رود که هیچ راه اصلاح و بهبودی برای افرادی که بدی جزو ذات آنها شده نمی‌بیند و می‌گوید حتی مجربترین استادان هم نمی‌توانند سرشت این افراد را تغییر دهند و همانطور که سیاهی ذاتی را نمی‌توان با شست و شو به سپیدی تبدیل کرد خوی بد آنها را نیز نمی‌توان به نیکی بدل نمود:

همه فیلسوفان یونان و روم
ندانند کرد انگبین از زقوم
ز وحشی نباید که مردم شود
به سعی اندر او تربیت گم شود
توان پاک کردن ز زنگ آینه
ولیکن نشاید ز سنگ آینه
به کوشش نروید گل از شاخ بید
نه زنگی به گرمابه گردد سپید (۱۷)

با این حال سعدی توارث‌گرای مطلق نیست بلکه تأثیر نسبی محیط و توارث را قبول داشته، حدود و ثغور هر یک را نشان می‌دهد. سعدی محیط و توارث را در مقابل هم قرار نمی‌دهد بلکه هماهنگی این دو را برای تأثیر در تعلیم و تربیت لازم می‌داند. (۱۸)

«اصول روانشناسی امروزه روشن ساخته است که در ۴-۵ ساله اول دوران کودکی اتفاقات مهم ممکن است روی زندگی و اعصاب کودک اثر کند که بعدها به هیچ وجه به خاطر نیاید و تجسّسات مخصوص هیپنوتیسم و پسیکانالیز این اتفاقات ناشناخته دوران کودکی را به تدریج شناسانده و ظاهر ساخته است. اگر تجربیات سال‌های اول زندگی کودک را به خاطر آوریم به خوبی واضح می‌شود که بسیاری از خصلت او به علت اثرات محیط نخستین زندگیش بوده و به هیچ وجه ربطی به ارث والدینش ندارد و البته تجسّسات جدید ما را به این حقیقت رهنمون می‌کند که عده زیادی از ناراحتی‌های روانی به علت اختلالاتی است که به صورت ارث به کودکان رسیده است». (۱۹)

□ عقیده رایج در میان
روانشناسان بر این است که وراثت
و محیط هر دو مسوول خصایص
کلیه افرادند و رفتار، هوش، رشد،
شخصیت و ویژگی‌های روانی
ماحصل کنش متقابل عوامل ارثی و
محیطی است. سعدی نیز علاوه بر
وراثت، به تأثیر محیط بر روان
آدمی اشاره می‌کند.

جوهر اگر در خلاب افتد همچنان نفیس است و
غبار اگر بر فلک رسد همان خیس است؛ استعداد،
بی تربیت دریغ است و تربیت نامستعد ضایع.
خاکستر نسبی عالی دارد که آتش جوهر علوی است
ولیکن چون به نفس خود هنری ندارد با خاک برابر
است و قیمت شکر نه ازنی است که خود خاصیت
وی است.

چو کنعان را طبیعت بی هنر بود
پیمبرزادگی قدرش نیفزود
هنر بنمای اگر داری نه گوهر
گل از خارست و ابراهیم از آزر (۱۳)

در حکایت دیگری خاطر نشان می‌کند که اگر کسی ضریب هوشی پایین داشته باشد، محیط و تعلیم و تربیت چنان اثری روی او نخواهد داشت و به جنبه وراثتی هوش بیشتر اهمیت می‌دهد، چون محیط نقش کامل‌کننده دارد و نمی‌تواند عامل اصلی به حساب آید:

یکی را از وزرا پسری کودن بود پیش یکی از
دانشمندان فرستاد که مر این را تربیتی می‌کن مگر
عاقل شود. روزگاری تعلیم کردش و موثر نبود پیش
پدرش کس فرستاد که این عاقل نمی‌شود و مرا
دیوانه کرد:

چون بود اصل گوهری قابل
تربیت را در او اثر باشد
هیچ صیقل نکو نداند کرد
آهنی را که بد گهر باشد
سگ به دریای هفتگانه بشوی

اجتماع احساسات روانی ما با تمایلاتمان یعنی تمام آن عناصری که موجودیت ما را تسجیل می کند، شخصیت ما را تشکیل می دهد و طبیعت مخصوص شخص عبارت از اثری است که این شخصیت روی رفتارش دارد؛ بر این پایه شخصی طبیعتاً حساس است و دیگری خونسرد؛ شخصی سرشت تهاجمی دارد و دیگری مؤدب است. تمایلات در اثر تماس با محیط پرورش می یابند؛ مثلاً تمایل به محبت یا خبث در اثر پرورش محیط است و عقده ها نیز تمایلات بد ما هستند. (۲۰) گاهی عقده های روانی دوران کودکی، بدی هایی را در وجود فرد متمکن می کند که دیگر به صورت صفتی جدانشدنی در او در می آید و چه بسا این خصلت بد را تا پایان عمر با خود خواهد داشت سعدی می فرماید:

خوی بد در طبیعتی که نشست

نهد جز به وقت مرگ از دست (۲۱)

بنابراین حالات مخصوص روانی از دو عامل تشکیل یافته است: اول محیط اتفاقات روزانه و امیال شخص و دوم ارث که آن را عواطف غریزی نامند. (۲۲)

(برخی از روانشناسان درباره تاثیر محیط مبالغه می کنند و اعتقاد دارند که محیط عامل عمده و اساسی در رشد شخصیت و هوش افراد است. واتسون (۲۳) مؤسس مکتب سلوک و رفتار عقیده دارد رشد بچه ها بخصوص در جنبه روانی کاملاً تابع محیط است. (۲۴) در برابر این نظریه گروه دیگری عقیده دارند کودک با ویژگی های خاصی پا به عرصه جهان می گذارد و محیط تاثیر کمی در رشد او دارد. (۲۵) در هر حال عقیده رایج بر این است که وراثت و محیط هر دو مسئول خصایص کلیه افراد هستند. (۲۶) و رفتار، هوش، رشد، شخصیت و ویژگی های روانی ماحصل کنش متقابل عوامل ارثی و محیطی است.

سعدی نیز علاوه بر وراثت به تاثیر محیط بر روان آدمی اشاره می کند و اعتقاد دارد محیط بر انسان اثر غیر قابل انکار دارد.

در حکایت چهارم از باب اول گلستان می فرماید: مامن مولود الا و قد یولد علی الفطره فابواه یهودانه او ی نصرانه او یمجسانه: هیچ کودکی نیست جز این که مطابق فطرت (یکتا پرست) به دنیا آید و پدر و مادرش او را به آیین یهود یا نصرانی و یا کیش مجوس بار می آورند.

همچنین می فرماید:

با بدان یار گشت همسر لوط

خانان نبوتش گم شد

سگ اصحاب کهف روزی چند

پی نیکان گرفت و مردم شد (۲۷)

از نظر «بندورا» بخش وسیعی از یادگیری های

□ نظریه های شناختی اجتماعی

معتقدند، کودکان ابتدا از کسانی

که دوست دارند و قبل از همه از پدر

مادر تقلید می کنند، به مرور گروه،

افراد، شخصیت ها و عوامل و

عناصر اجتماعی دیگر نیز در

زندگی فرد مطرح می شود. سعدی

نیز یکی از عوامل موثر در رفتار

افراد جامعه را الگو برداری از

اربابان و صاحب مسندان می داند

که بسا در تقلید از آنان به صورت

افراطی عمل شود.

انسان از طریق مشاهده و تقلید صورت می گیرد. (۲۸)

معیارهای اخلاقی از دیدگاه بندورا، از طریق تعامل فرد با الگوها رشد می کند در مورد درونی کردن ارزش ها می توان گفت که والدین معمولاً قواعد و مقررات اخلاقی را به کودکان خود معرفی می کنند آنها را سرمشق کودکان خود قرار می دهند. (۲۹) سعدی نیز می داند که آدمی به وسیله تقلید و همانند سازی متأثر از محیط به رشد اخلاقی می رسد:

گلی خوشبوی در حمام روزی

رسید از دست مخلومی به دستم

بدو گفتم که مشکمی یا عبیری

که از بوی دلاویز تو مستم

بگفتا من گلی ناچیز بودم

ولیکن مدتی با گل نشستم

کمال هم نشین در من اثر کرد

وگر نه من همان خاکم که هستم (۳۰)

نظریه های شناختی اجتماعی معتقدند که کودکان ابتدا از کسانی که دوست دارند و قبل از همه از پدر و مادر تقلید می کنند؛ به مرور، گروه، افراد، شخصیت ها و عوامل و عناصر اجتماعی دیگری نیز در زندگی فرد مطرح می شود که معیارهای رفتاری آنها را سرمشق خود قرار می دهد. (۳۱) شخصیت ها از جمله عامل های مهم در تقلید و الگو برداری افراد به شمار می آیند. یک شخصیت علمی، مذهبی و یا سیاسی الگوی بسیار نیرومندی برای افراد جامعه به شمار می رود؛ حتی کوچکترین رفتار او مورد تقلید

متقابل قرار می گیرد، شمار می رود؛ حتی کوچکترین رفتار او مورد تقلید قرار می گیرد؛ این نوع یادگیری، یادگیری مشاهده ای نام دارد که با مشاهده رفتار دیگران بخصوص تقلید از الگوها به وجود می آید. بنابر این کسانی که به صورتی در جامعه مطرح هستند و می دانند مورد تقلید دیگران قرار می گیرند، باید به صورت عاقلانه تری عمل کنند. سعدی نیز یکی از عوامل موثر در رفتار افراد جامعه را الگو برداری از اربابان و صاحب مسندان می داند که چه بسا در تقلید از آنان به صورت افراطی عمل شود:

اگر زباغ رعیت ملک خورد سببی

بر آورند غلامان او درخت از بیخ (

به پنج بیضه که سلطان ستم روا دارد

زند لشکریانش هزار مرغ به سیخ (۳۲)

سعدی در مورد علما چنین می گوید:

معصیت از هر که صادر شود ناپسندیده است و از علما ناخوبتر؛ که علم سلاح جنگ شیطان است و خداوند سلاح را چون به اسیری برند بشمراری بیش برد:

عام نادان پریشان روزگار

به ز دانشمند ناپرهیزگار

کان به نایبایی از راه افتاد

وین دو چشمش بود و در چاه افتاد (۳۳)

در جای دیگر سعدی به پادشاهان این گونه هشدار می دهد:

«یکی از فضلا تعلیم ملک زاده ای همی کرد و ضرب بی محابا زدی و زجر بی قیاس کردی. باری پس از بی طاقتی شکایت پیش پدر برد و جامه از تن دردمند برداشت. پدر را دل به هم برآمد؛ استاد را بخواند و گفت پسران آحاد رعیت را چندین جفا و توییح روا نمی داری که فرزند مرا، سبب چیست؟ گفت: سبب آن که سخن اندیشیده باید گفتن و حرکت پسندیده کردن همه خلق را علی العموم و پادشاهان را علی الخصوص، به موجب آن که بر دست و زبان ایشان هر چه رفته شود هر آینه به افواه بگویند و قول و فعل عوام الناس را چندان اعتباری نباشد.

اگر صد ناپسند آید ز درویش

رفیقانش یکی از صد ندانند

وگر یک بنله گوید پادشاهی

از اقلیمی به اقلیمی رسانند

پس واجب آمد معلم پادشاه زاده را در تهذیب اخلاق خداوند زادگان انبیتهم الله نباتاً حسناً، اجتهاد از آن بیش کردن که در حق عوام... (۳۴)»

«از عوامل دیگری که تاثیر محیط را بر شخصیت آدمی نشان می دهد اثر گذاری هم نشین بر فرد و میزان تقلید فرد از همسالان و هم نشینان خود است؛ به طور کلی یکی از مکانیسم های رشد اخلاقی در دیدگاه

شناختی تقلید و همانند سازی است (۳۵). که این همانند سازی اغلب از طریق مجالست و موانست صورت می گیرد.

این مساله تا آنجا اهمیت دارد که شاخه ای از علم روانشناسی با نام روانشناسی اجتماعی تشکیل شده و به مطالعه فعالیت های فردی که از افراد دیگر متأثر است می پردازد چرا که دیگران به صورت انفرادی یا گروهی در فرد تأثیر می کنند. (۳۶) سعدی نیز میزان اثر پذیری افراد از همنشین را بسیار عمیق می داند و معتقد است آدمی هم خوی همنشین خود می شود:

هر که با بدان نشیند نیکی نبیند،
گر نشیند فرشته ای با دیو
وحشت آموزد و خیانت و ریب
از بدان جز بدی نیاموزی
نکند گرگ پوستین دوزی (۳۷)

□ □

جامه می کعبه را که می بوسند
او نه از کرم پيله نامی شد
با عزیزی نشست روزی چند
لاجرم همچو گرمی شد (۳۸)

کودکان در لباس پوشیدن، بازی کردن، در خوب و بد تلقی کردن کارها و دوست داشتن چیزهای مختلف از گروه همسن خود پیروی می کنند. (۳۹) دوستان و معاشران کودک تأثیر غیر قابل انکاری بر روی رفتار او می گذارند و خواه ناخواه عقاید و منش خود را به کودک منتقل می کنند؛ برای همین (سعدی هشدار می دهد که مراقب کودکان خود باشید و در انتخاب دوست آنها را یاری کنید که مبادا گرفتار همنشین و دوست ناباب شوند چرا که لاجرم به بدی کشیده خواهند شد.

نگه دار از آموغار بدش

که بدبخت و بی ره کند چون خودش (۴۰)

تربیت صحیح می تواند تضمین کند که هیجانات به سوی افکار مخصوص و صحیح هدایت شوند؛ اگر این گونه هیجانات در کودکی جزء احساسات وجدانی کودکان شوند در بزرگی به صورت تمایلات انسانی ظهور می کنند و فقط این دسته احساسات می توانند پایه اساسی و محکم شخصیت فرد را بنا کنند و به صورت تمایل او به رفتار نیک و زشت ظاهر شوند (۴۱)

سعی نیز برای تربیت در دوره خردسالی اهمیت فراوانی قائل است؛ او می داند که انعطاف پذیری در سنین کودکی بسیار بیشتر از بزرگسالی است و مثل نقش بر سنگ دوام بیشتری دارد:

هر که در خردیش ادب نکند
در بزرگی فلاح از او برخاست
چوب تر را چنان که خواهی پیچ
نشود خشک جز به آتش راست (۴۲)

□ سعدی تنها به جنبه وراثتی هوش توجه ندارد بلکه عامل محیط را هم موثر می داند و این شگفت آور است که نظریه روانشناسان جدید با گفته های او مطابقت پیدا کرده است.

مادر او نیست ناراحت می شود و به سختی با دیگران به سر می برد؛ والدین گاهی در اثر عدم آشنایی به طرز پرورش کودک مرتکب خطا و اشتباه می شوند؛ این اشتباهات ممکن است در رشد شخصیت کودک مؤثر واقع شود و در آینده مشکلاتی برای او به وجود آورد. (۴۳) سعدی نیز معتقد است در محبت کردن فرزند باید حد اعتدال را رعایت کرد. فرزندى که به صورت افراطی مورد محبت والدین قرار گیرد در بزرگی سختی می بیند اما بلافاصله اشاره می کند که حد متوسط را نگه دارد و تحسین و تشویق و مهر و محبت را به موقع اعمال کنید:

بسا روزگارا که سختی برد
پسر چون پدر نازکش پرورد
خردمند و پرهیزگارش برآر
گوش دوست داری به نازش مدار
به خردی درش زجر و تعلیم کن
به نیک و بدش وعده و بیم کن
نوآموز را ذکر و تحسین و زه
ز توبیخ و تهدید استاد به (۴۴)

به طور کلی می توان گفت: «تثبیت رفتار فرد در آینده مطابق با نوع پرورشی است که بر پایه آن تضح یافته است.» (۴۵) سعدی نیز پیشرفت خود را مرهون تربیت دوران کودکی خود می داند:

ندانی که سعدی مراد از چه یافت
نه هامون نوشت و نه دریا شکافت
به خردی بخورد از بزرگان قفا
خدادادش اندر بزرگی صفا
هر آنکس که گردن به فرمان نهاد
بسی بر نیاید که فرمان دهد (۴۶)

او علاوه بر اعمال روش های تربیتی بر فرزندان و سختگیری های به موقع، به مهر و محبت، نکو داشت و عشق ورزی به فرزند اشاره می کند و این دو عامل را در کنار هم مؤثر می داند:

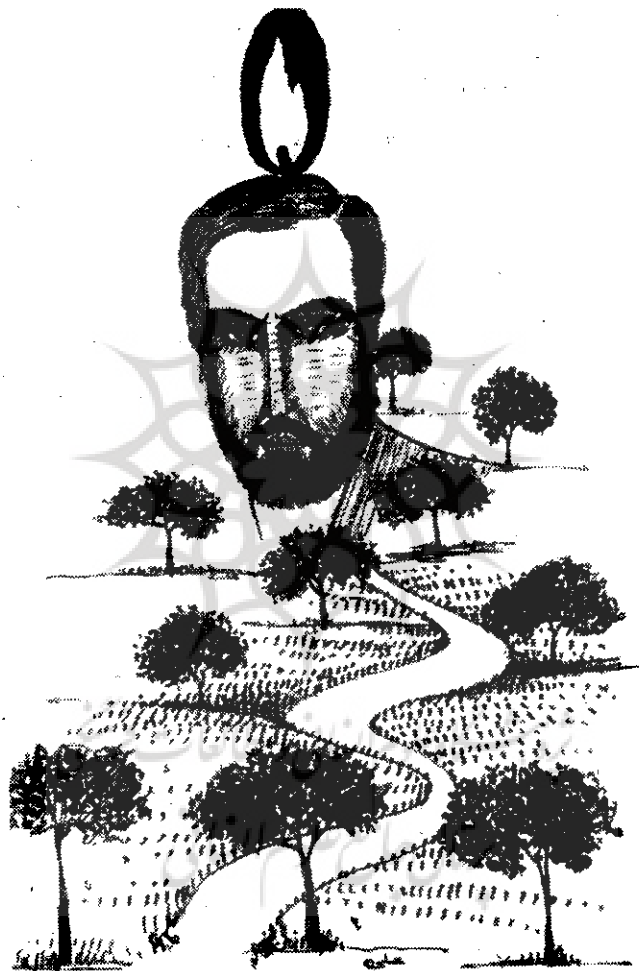
هر آن طفل کاو جور آموزگار

نبیند جفا بیند از روزگار

پسر را نکودار و راحت رسان

که چشمش نماند به دست کسان (۴۷)

گفتیم کودکی که بیش از حد مورد توجه والدینش قرار گیرد در بزرگی فرد مستقلی نخواهد شد و در رشد عقلانی و اجتماعی او خلل ایجاد می شود. «از طرف دیگر اگر کودک در دوران رشد خود با کمک و توسری های متوالی مواجه شود خلق و خویش روبه پستی و حقارت می کشد و در این حال انزوای شدید پیدا می کند نوکرمآب می شود، به خود اعتماد ندارد و حالت حقارت و کهنتری را می پذیرد حتی اگر پیشرفت های شایانی هم بکند باز خود را حقیر می شمارد.» (۴۸)



همانطور که گفتیم کودک ویژگی هایی را از طریق ارث از پدر و مادر خود به دست می آورد اما ویژگی های دیگری نیز هستند که از طریق تعلیم و تربیت والدین به کودک منتقل می شود و زمینه رشد و پیشرفت او را فراهم می نمایند و یا به عکس مانع پیشرفت او می شود. «ممکن است کودکی در اثر علاقه شدید پدر و مادر و عدم آگاهی، بیش از حد مورد توجه قرار گیرد؛ همین امر سبب عقب افتادن رشد اجتماعی و عقلانی او می شود و به استقلال او لطمه وارد می آورد. چنین کودکی ممکن است انتظار داشته باشد دیگران نیز مانند پدر و مادر با او رفتار کنند و وقتی می بیند رفتار دیگران مانند پدر و

«نرمان. ل. مان» در کتاب «اصول روانشناسی» می نویسد: «اگر اولیای یک کودک از همه اعمال فرزند خود جلوگیری کنند و به او محبت نداشته باشند به احتمال زیاد کودک درون گرامی شود و در دنیای تخیلی و ساختگی خود فرو می رود و در آن حالت، اعمالی را که پدر و مادرش اجازه انجام آن را نمی دهند انجام می دهد و محبتی را که در زندگی واقعی از او دریغ کرده اند، پندامی کند. از طرف دیگر وقتی اولیای کودک، او را آزاد می گذارند یا بیش از حد به او محبت می کنند کودک بیشتر از آنچه که هست برون گرامی شود و یا ممکن است به صورت فردی متکی به دیگران بآید و از این که عملی را به صورت مستقل انجام دهد می هراسد و کمرو بار می آید. (۲۹) در هر حال از آنجا که پدر و مادر در شکل گیری شخصیت کودک مهمترین نقش را ایفا می کنند باید حد اعتدال را رعایت کنند و از محبت افراطی و خشم و غضب بیش از حد پرهیز کنند. آموزگاران نیز از جمله کسانی هستند که تأثیر غیر قابل انکاری بر کودک می گذارند هر چند در زمان بیشتری را با کودک سپری کنند این تأثیر ژرف تر و بیشتر خواهد بود.

سعدی می فرماید:

«خشم بیش از حد گرفتن وحشت آرد و لطف بی وقت هیبت ببرد نه چندان درشتی کن که از تو سیر گردند و نه چندان نرمی که بر تو دلیر شوند»:

درشتی و نرمی بهم در به است

چو فاصد که جراح و مرهم نه است

درشتی نگیرد خردمند پیش

نه سستی که نازل کند قدر خویش

نه مر خویشان را فزونی نهاد

نه یک باره تن در ملالت دهد (۵۰)

یا:

وقتی به لطف گوی و مدارا و مردمی

باشد که در کمند قبول آوری دلی

وقتی به قهر گوی که صد کوزه ی نبات

که گه چنان به کار نیاید که حظلی (۵۱)

و یا در مورد رعایت اعتدال در تربیت می فرماید:

نباید که بسیار بازی کنی

که مر قیمت خویش را بشکنی

و گر تندبازی به یک بار و تیز

جهان از تو گیرند راه گریز

نه کوتاه دستی به بیچارگی

نه زجر و تطاول به یک بارگی (۵۲)

نیز:

پادشاهی پسر به مکتب داد

لوح سیمینش در کنار نهاد

بر سر لوح او نبشته به زر

چو استاد به ز مهر پلر (۵۳)

- ۱- غلامرضا تبریزی، مقدمه ای بر روانشناسی رشد تهران، انتشارات آیین، ۱۳۷۵، ص ۳۰.
- ۲- علی شریعتملاری، روانشناسی تربیتی، اصفهان، انتشارات مشعل، ۱۳۴۴، ص ۵۸.
- ۳- همان، ص ۶۵.
- ۴- ژ. آ. هلفیلد، روانشناسی و اخلاق، ترجمه: علی پور، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۶، ص ۲۷.
- ۵- علی شریعتملاری، پیشین... ص ۶۵.
- ۶- محمدکریم آزادی، تربیت از دیدگاه سعدی ذکر جمیل سعدی، ج اول، انتشارات و تبلیغات وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۴، ص ۴۶.
- ۷- مصلح بن عبدالله سعدی، گلستان، تصحیح: غلامحسین یوسفی، تهران، باب اول، حکایت ۴، ۱۳۶۹، ص ۶۱.
- ۸- همان، ص ۶۲.
- ۹- همان، ص ۶۱.
- ۱۰- همان.
- ۱۱- همان، باب اول، حکایت ۶.
- ۱۲- اتکینسون، هیلگارد، زمینه روانشناسی، ترجمه: محمدنقی برهانی، تهران، انتشارات رشد، ج ۲، ۱۳۸۴، صص ۵۸-۵۹.
- ۱۳- همان، باب هشتم، ص ۱۸۰.
- ۱۴- همان، باب هفتم حکایت اول.
- ۱۵- محمدکریم آزادی، تربیت از دیدگاه سعدی، ذکر جمیل سعدی، ج ۱، ۱۳۶۴، صص ۴۵-۴۶.
- ۱۶- ... سعدی، بوستان (سعدی نامه)، تهران، ب ۱۶۱۶، ۱۳۶۹، ص ۱۷.
- ۱۷- همان.
- ۱۸- محمدکریم آزادی، پیشین، ج ۱، صص ۵۵-۵۴.
- ۱۹- هلفیلد، ژ. آ.، روانشناسی و اخلاق، ۱۳۶۶، صص ۲۷-۲۸.
- ۲۰- همان، ص ۴.
- ۲۱- مصلح بن عبدالله...، گلستان، باب دوم، حکایت ۴۳.
- ۲۲- هلفیلد، ژ. آ.، روانشناسی و اخلاق، ۱۳۶۶، ص ۴۳.
- ۲۳- Watson.
- ۲۴- علی شریعتملاری، پیشین... ص ۶۵.
- ۲۵- غلامرضا تبریزی، پیشین ص ۴۳.
- ۲۶- اتو کلاین برگ، روانشناسی اجتماعی- ترجمه: علی محمد کردان، تهران، ج اول، ۱۳۶۹، ص ۳۰۶.
- ۲۷- ... سعدی، گلستان، باب اول، حکایت ۴.
- ۲۸- پروین کلیور، روانشناسی اخلاق، تهران، ۱۳۸۷، ص ۱۰۳.
- ۲۹- همان.
- ۳۰- سعدی، گلستان، دیباچه، ص ۵۱.
- ۳۱- پروین کلیور، پیشین، ص ۶۸.

- ۳۲- سعدی، گلستان، باب اول، حکایت ۱۹.
- ۳۳- همان، در آداب صحبت، ص ۱۸۱.
- ۳۴- ... سعدی، گلستان، باب هفتم، حکایت ۳.
- ۳۵- پروین کلیور، پیشین... ص ۱۳۲.
- ۳۶- اتو کلاین برگ، پیشین ج ۱ ص ۳۰۶.
- ۳۷- ... سعدی، گلستان، باب هشتم، ص ۱۷۷.
- ۳۸- همان، باب هفتم، حکایت ۸.
- ۳۹- علی شریعتملاری، پیشین... ص ۲۳۴.
- ۴۷- همان، ب ۳۱۷۱-۳۱۷۰.
- ۴۸- هلفیلد، ژ. آ.، پیشین... ص ۱۰۲.
- ۴۹- نرمان، ل. مان، اصول روانشناسی، ترجمه: دکتر محمود ساعتچی، تهران، ۱۳۶۶، ص ۵۶۷.
- ۵۰- ... سعدی، گلستان، باب هشتم، ص ۱۷۳.
- ۵۱- همان، در آداب صحبت، ص ۱۷۰.
- ۵۲- ... سعدی، بوستان، ب ۲۹۲۰-۲۹۱۸، ص ۱۵۵.
- ۵۳- ... سعدی، گلستان، باب هفتم حکایت ۴.

- ۱- بستانی، م، اسلام و روانشناسی، ترجمه: محمود هوشم، موسسه آستان قدس رضوی، ۱۳۷۵.
- ۲- تبریزی، ک، غ، مقدمه ای بر روانشناسی رشد، تبریز، انتشارات آیین، ۱۳۷۵.
- ۳- سعدی، م، بوستان سعدی (سعدی نامه)، تصحیح: غلامحسین یوسفی، تهران، انتشارات خوارزمی، ۱۳۶۹.
- ۴- گلستان سعدی، تصحیح: غلامحسین یوسفی، تهران، انتشارات خوارزمی، ۱۳۶۹.
- ۵- شریعتملاری، ع، روانشناسی تربیتی، اصفهان، انتشارات مشعل، ۱۳۴۴.
- ۶- کلیور، پ، روانشناسی اخلاق، تهران، آگاه، چاپ نقش جهان، ۱۳۷۸.
- ۷- کلاین برگ، روانشناسی اجتماعی، ترجمه: علی محمد کردان، جلد اول، تهران، نشر اندیشه، ۱۳۶۹.
- ۸- مان، نرمان ل، اصول روانشناسی، ترجمه: محمود ساعتچی، تهران، انتشارات امیرکبیر، ج اول، ۱۳۶۶.
- ۹- هلفیلد، ژ. آ.، روانشناسی و اخلاق، ترجمه: علی پروین، انتشارات علمی و فرهنگی وابسته به وزارت فرهنگ و آموزش عالی، چاپ دوم، ۱۳۶۶.
- ۱۰- هیلگارد، ۱، زمینه روانشناسی، ترجمه: محمد نقی برهانی و گروه مترجمان، تهران، انتشارات رشد، ج ۱، ۱۳۸۴، ۲.
- ۱۱- ذکر جمیل سعدی، مجموعه مقالات و اشعار، ج ۱، گردآوری، کمیسیون ملی یونسکو، انتشارات و تبلیغات وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۴.